



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

نوآوری‌های فرهنگی در عصر دیجیتال و بازآرایی نظام معنا:

دلالت‌هایی برای سیاست‌گذاری آموزشی و برنامه‌ریزی درسی

نادر پوررحمتی

مدیر مدرسه ، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و دانشجوی دکتری تخصصی برنامه ریزی درسی

n.pourrahmati@gmail.com

چکیده

هدف این مقاله، واکاوی انتقادی تأثیر نوآوری‌های فرهنگی عصر دیجیتال بر بازآرایی نظام معنا و استخراج دلالت‌های آن برای سیاست‌گذاری آموزشی و برنامه‌ریزی درسی است. مسئله بنیادین پژوهش، تبیین چگونگی بازتعریف ساختار قدرت نمادین، مرجعیت دانشی و الگوهای جامعه‌پذیری آموزشی در پرتو تحولات فرهنگی دیجیتال است. این پژوهش از نوع مطالعات کیفی و نظری است که با رویکرد تحلیل مفهومی و فراترکیب نظری انجام شده است. با بهره‌گیری از سنت نظریه‌پردازی ترکیبی، پنج جریان نظری شامل جامعه شبکه‌ای کاستلز، مطالعات فرهنگی هال، سرمایه فرهنگی بوردیو، فرهنگ مشارکتی جنکینز و مدرنیته سیال باومن، در چارچوبی منسجم تلفیق شده‌اند. داده‌ها از طریق مرور نظام‌مند منابع نظری و پژوهشی مرتبط گردآوری و با روش تحلیل مضمون و استدلال نظری مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. تحلیل نظری نشان می‌دهد نوآوری‌های فرهنگی دیجیتال، چهار دگرگونی بنیادین در نظام معنا ایجاد کرده‌اند: نخست، گذار از «مرجعیت متمرکز» به «مرجعیت توزیع‌شده» در تولید و مشروعیت‌بخشی دانش؛ دوم، تبدیل هویت از «جوهر ثابت» به «پروژه بازتابی و سیال»؛ سوم، دگرگونی سرمایه فرهنگی از «انباشت نهادی» به «مهارت شبکه‌ای و قدرت ویروسی»؛ و چهارم، تغییر الگوهای جامعه‌پذیری از «انتقال عمودی» به «هم‌آفرینی افقی». این تحولات، همزمان با گشودگی مرزهای معنایی و اسارت در الگوریتم‌های سلاقی، تنش بنیادینی میان رهایی و انقیاد ایجاد کرده است. رویکردهای مرسوم سیاست‌گذاری آموزشی که بر مصون‌سازی در برابر تغییر یا اقتباس سطحی از فناوری استوارند، دیگر کارآمدی خود را از دست داده‌اند. مقاله با ارائه «مدل اکولوژی بازآرایی معنا»، چارچوبی نظری برای بازاندیشی بنیادین در فلسفه برنامه‌درسی، بازتعریف مرجعیت معلم، صورت‌بندی جدید سرمایه فرهنگی و طراحی سیاست‌های آموزشی در زیست‌بوم دیجیتال پیشنهاد می‌کند.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

واژگان کلیدی: نوآوری فرهنگی، جامعه شبکه‌ای، بازاریابی معنا، سیاست‌گذاری آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، فرهنگ

مشارکتی، سرمایه فرهنگی دیجیتال، الگوریتم و سلیقه فرهنگی

مقدمه

در آستانه دهه سوم قرن بیست و یکم، زیست‌بوم فرهنگی جهان با دگرگونی‌ای مواجه شده است که بسیاری از نظریه‌پردازان آن را با مفاهیمی چون «گسست پارادایمی» و «چرخش بنیادین» توصیف کرده‌اند. نوآوری‌های فرهنگی در عصر دیجیتال، صرفاً به معنای ظهور ابزارها و رسانه‌های جدید برای تولید و مصرف فرهنگ نیست، بلکه دلالت بر بازاریابی عمیق‌تری دارد: دگرگونی در «نظام معنا» و سازوکارهای تولید، توزیع، اعتبارسنجی و تصاحب معرفت و ارزش‌ها. این دگرگونی، مرزهای سنتی میان تولیدکننده و مصرف‌کننده، میان نخبه و عامه، میان مؤلف و مفسر، و میان مرجع و پیرو را در نوردیده و پرسش‌های بنیادینی را پیش روی نهادهای مدرن به ویژه نظام تعلیم و تربیت قرار داده است.

مسئله این پژوهش نه صرفاً توصیف این تحولات، بلکه واکاوی انتقادی نسبت میان نوآوری‌های فرهنگی دیجیتال و بازاریابی «قدرت نمادین» است. قدرت نمادین - به تعبیر بوردیو - توانایی شکل‌دهی به مقولات ادراک و داوری، و به بیان حال، توانایی بازنمایی و تثبیت معنا، همواره یکی از میدان‌های مناقشه‌برانگیز در جوامع مدرن بوده است. آنچه در عصر دیجیتال رخ داده، نه صرفاً تغییر در ابزارهای اعمال این قدرت، بلکه تغییر در ماهیت و توزیع آن است. پلتفرم‌ها، الگوریتم‌ها، شبکه‌های اجتماعی و فرهنگ مشارکتی، همگی به باز توزیع قدرت نمادین انجامیده‌اند؛ باز توزیعی که همزمان، نویدبخش دموکراتیزه‌شدن تولید معنا و نیز هشداردهنده سلطه‌های پنهان و نامرئی جدید است.

نظام آموزشی به عنوان مهمترین نهاد مدرن برای انتقال، باز تولید و خلق معنا، در مرکز این طوفان تحول قرار دارد. کلاس درس، زمانی عرصه انحصاری مرجعیت معلم و کتاب درسی بود؛ امروز اما با انبوهی از منابع رقیب، روایت‌های موازی و مراجع پراکنده مواجه است. دانش‌آموز و دانشجوی عصر دیجیتال، پیش از آن که در کلاس درس حاضر شود، در شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های ویدئویی و فضاهاى مجازى، با روایت‌های متکثر و گاه متعارضی از جهان مواجه شده است. پرسش اساسی این است که در چنین شرایطی، «مرجعیت» چه معنایی می‌یابد؟ «برنامه درسی» چگونه می‌تواند همزمان متکی بر انسجام معرفتی و پذیرای تکثر معنایی باشد؟ و مهم‌تر از آن، «سیاست‌گذاری آموزشی» در قبال این تحولات چه موضعی باید اتخاذ کند؟

مرور پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد این پرسش‌ها اگرچه در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما اغلب پژوهش‌ها از چند کاستی عمده رنج می‌برند:



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

نخست، غلبه رویکردهای ابزارانگاره که فناوری‌های دیجیتال را صرفاً به مثابه «ابزار» کمک‌آموزشی می‌نگرند و از ابعاد معرفتی و فرهنگی آن غفلت می‌کنند.

دوم، تقلیل مسئله به «شایستگی دیجیتال» و فروکاستن دگرگونی بنیادین به آموزش مهارت‌های فنی.

سوم، غیاب چارچوب‌های نظری تلفیقی که بتوانند پیچیدگی و چندلایگی مسئله را بازنمایی کنند.

چهارم، فقدان مدل‌های بومی و متناسب با زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی خاص.

پنجم، شکاف عمیق میان تحلیل‌های نظری درباره تحولات فرهنگی دیجیتال از یک سو، و حوزه سیاست‌گذاری آموزشی و برنامه‌ریزی درسی از سوی دیگر.

این مقاله درصدد پر کردن همین شکاف است. پرسش بنیادین پژوهش این است: «نوآوری‌های فرهنگی در عصر دیجیتال چگونه ساختار قدرت نمادین، مرجعیت دانشی و الگوهای جامعه‌پذیری آموزشی را بازتعریف کرده‌اند و این باز تعریف چه دلالت‌هایی برای سیاست‌گذاری آموزشی و برنامه‌ریزی درسی دارد؟»

نوآوری نظری مقاله در تلفیق پنج سنت نظری - که اغلب به صورت مجزا به کار گرفته شده‌اند - در چارچوبی منسجم و نیز ارائه مدل مفهومی «اکولوژی بازآرایی معنا» است. این مدل، تحولات عصر دیجیتال را نه به مثابه تغییر ابزاری، بلکه به مثابه دگرگونی در «زیست‌بوم معنا» تحلیل می‌کند و بر این پایه، دلالت‌های مشخصی برای بازاندیشی در سیاست‌گذاری آموزشی و برنامه‌ریزی درسی پیشنهاد می‌دهد.

پیشینه پژوهش

مرور پیشینه پژوهش در سه حوزه «فرهنگ دیجیتال و تحول معنا»، «برنامه درسی در عصر دیجیتال» و «سیاست‌گذاری آموزشی و فناوری‌های فرهنگی» نشان می‌دهد که این سه حوزه عمدتاً در مسیرهایی موازی اما گسسته از هم (disconnected) حرکت کرده‌اند:

۱- حوزه فرهنگ دیجیتال و تحول معنا

پژوهش‌های این حوزه به طور عمده در دپارتمان‌های مطالعات فرهنگی، رسانه و ارتباطات متمرکز بوده‌اند. کاستلز (۲۰۱۰) در تکمیل نظریه جامعه شبکه‌ای، بر دگرگونی در «فضای جریان‌ها» و «زمان بی‌زمان» تأکید کرده و نشان داده است که چگونه شبکه‌های دیجیتال، بنیادهای تجربه و هویت را دگرگون ساخته‌اند. جنکینز (۲۰۱۹) با بسط نظریه فرهنگ مشارکتی، ظهور «فرهنگ همگرا» را تحلیل کرده که در آن مرزهای میان تولیدکننده و مصرف‌کننده فرو می‌ریزد. ون دایک (۲۰۲۱) با رویکرد «سیاست‌گذاری پلتفرم»، به تحلیل انتقادی قدرت الگوریتم‌ها در شکل‌دهی به کنش ارتباطی پرداخته



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

است. در ایران نیز پژوهشگرانی چون فاضلی (۱۴۰۰) و اجتهادی (۱۳۹۹) به ابعاد فرهنگی تحولات دیجیتال توجه کرده‌اند، اما این مطالعات کمتر به حوزه تعلیم و تربیت مرتبط شده‌اند.

۲- حوزه برنامه درسی در عصر دیجیتال

پژوهش‌های برنامه درسی دیجیتال را می‌توان به سه نسل تقسیم کرد:

نسل نخست، بر «سواد رایانه‌ای» و آموزش مهارت‌های فنی متمرکز بود.

نسل دوم، با مفهوم «سواد اطلاعاتی»، بر توانایی جستجو، ارزیابی و مدیریت اطلاعات تأکید کرد.

نسل سوم، با مفهوم «سواد رسانه‌ای و انتقادی»، به توانایی تحلیل، نقد و تولید محتوای رسانه‌ای پرداخت.

اما پژوهش‌های اخیر از ظهور نسل چهارم حکایت دارند: «سواد فرهنگی دیجیتال» که فراتر از مهارت‌های فنی و اطلاعاتی، به توانایی زیست در اکوسیستم‌های معنایی پیچیده و متکثر اشاره دارد. مطالعه پرتیوی و همکاران (۲۰۲۵) در مورد برنامه درسی مبتنی بر «نابغه محلی»، تلاشی برای تلفیق حکمت بومی با تحول دیجیتال است، اما همچنان در سطح روش‌های یادگیری باقی مانده و به بازآرایی معرفتی برنامه درسی نپرداخته است. نمونه موفق‌تر، تجربه کراالا در هند است که برنامه درسی آی‌سی‌تی خود را با رویکردی تلفیقی و مبتنی بر پروژه طراحی کرده و انیمیشن، موسیقی دیجیتال و برنامه‌نویسی را نه به عنوان دروس مجزا، بلکه به مثابه «زبان‌های فرهنگی جدید» وارد برنامه درسی کرده است. با این حال، این تجربه نیز فاقد چارچوب نظری صریح برای تبیین نسبت میان نوآوری فرهنگی و بازآرایی معناست.

۳- حوزه سیاست‌گذاری آموزشی

پژوهش‌های سیاست‌گذاری در این حوزه عمدتاً مبتنی بر دو رویکرد مسلط بوده است: رویکرد «مصون‌سازی» که بر محافظت از دانش‌آموزان در برابر آسیب‌های فضای مجازی تأکید دارد، و رویکرد «اقتباس ابزاری» که به دنبال استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای افزایش کارایی نظام آموزشی است. سند نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، هر دو به نوعی ذیل این رویکردها قابل دسته‌بندی هستند. گزارش یونسکو (۲۰۲۴) در مورد سیاست‌های توسعه خلاقیت و شایستگی‌های دیجیتال، بر ضرورت بازنگری در قوانین آموزش ملی و تدوین نقشه‌های راه دیجیتال تأکید کرده است. این گزارش نشان می‌دهد که اغلب کشورها هنوز در مراحل ابتدایی این بازنگری قرار دارند و شکاف عمیقی میان «آرمان‌های سیاستی» و «اجرای برنامه‌ای» وجود دارد. مطالعه گانتزیاس و همکاران (۲۰۲۵) درباره مدل DICE برای آموزش عالی در حوزه مدیریت فرهنگی، یکی از معدود تلاش‌ها برای طراحی مدل‌های آموزشی متناسب با عصر دیجیتال است که بر «رویکرد انسان‌محور» در انقلاب انسان-ربات تأکید دارد. تحلیل انتقادی پیشینه، پنج شکاف عمده را آشکار می‌سازد و مقاله حاضر در پاسخ به این شکاف‌ها نگارش شده است:



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

اول، شکاف میان نظریه‌های انتقادی فرهنگ دیجیتال و پژوهش‌های کاربردی برنامه درسی.

دوم، غلبه رویکردهای تقلیل‌گرا که دگرگونی معرفتی-فرهنگی را به مهارت‌آموزی فنی فرو می‌کاهند.

سوم، فقدان مدل‌های نظری تلفیقی که بتوانند همزمان ابعاد ساختاری (شبکه)، کنشگرانه (فرهنگ مشارکتی)، هویتی

(مدرنیته سیال) و قدرت (سرمایه فرهنگی و بازنمایی) را در چارچوبی منسجم تحلیل کنند.

چهارم، نادیده گرفتن تنش‌های بنیادین میان رهایی‌بخشی و انقیاد در فرهنگ دیجیتال.

پنجم، شکاف میان تحلیل‌های نظری و دلالت‌های سیاستی مشخص و عملیاتی.

مبانی نظری

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر تلفیق پنج سنت نظری است که هر یک وجهی از دگرگونی معنا در عصر

دیجیتال را تبیین می‌کنند:

۱- جامعه شبکه‌ای و دگرگونی ساختاری معنا (کاستلز)

کاستلز در سه‌گانه «عصر اطلاعات»، گذار از جامعه صنعتی به جامعه شبکه‌ای را نه صرفاً به مثابه تغییر فناوریانه،

بلکه به مثابه دگرگونی در «ساختار اجتماعی» تحلیل می‌کند. مفهوم محوری در نظریه او، «منطق شبکه‌ای» است که به

تدریج از حوزه فناوری به تمام ساحت‌های حیات اجتماعی سرایت کرده است. دو مفهوم کلیدی کاستلز برای تحلیل بازآرایی

معنا عبارتند از: «فضای جریان‌ها» در برابر «فضای مکان‌ها»، و «زمان بی‌زمان» در برابر «زمان زیست‌جهانی».

در جامعه شبکه‌ای، معنا دیگر نه در مکان‌های ثابت و سنتی (خانواده، مدرسه و ...) که در جریان‌های شبکه‌ای

تولید و بازتولید می‌شود. برنامه درسی سنتی، محصول منطق «فضای مکان‌ها» است: محتوایی ثابت، توالی خطی، ارزیابی

استاندارد و مرجعیت متمرکز. اما دانش‌آموز امروز در «فضای جریان‌ها» زندگی می‌کند: اطلاعات از منابع پراکنده و همزمان،

با سرعت بی‌سابقه و در شبکه‌ای از ارتباطات افقی جریان دارد. این تناظر میان «ساختار شبکه‌ای» و «بحران مشروعیت

معرفت برنامه‌درسی» پرسش‌های بنیادینی را ایجاد کرده که در غیاب آن‌ها، هرگونه برنامه‌ریزی درسی، نوعی انکار واقعیت

است.

۲- مطالعات فرهنگی و بازنمایی: سیاست معنا و مقاومت (هال)

سهام استوارت هال در تحلیل بازآرایی معنا، توجه به «سیاست بازنمایی» است. هال با نقد مدل خطی ارتباط، مدل

«رمزگذاری/رمزگشایی» را پیشنهاد می‌کند که در آن معنا نه توسط تولیدکننده تعیین و به مصرف‌کننده منتقل می‌شود،

بلکه در فرایند تعاملی رمزگشایی - که همواره با مقاومت، مذاکره و بازتولید همراه است - ساخته می‌شود.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

در عصر دیجیتال، نظریه‌ها اهمیت مضاعفی می‌یابد. پلتفرم‌های دیجیتال نه تنها امکان رمزگشایی‌های مقاومت‌آمیز را افزایش داده‌اند، بلکه خود مصرف‌کنندگان نیز به تولیدکنندگان محتوا تبدیل شده‌اند. «مرجعیت معلم» در این چارچوب، نه یک موضع پیشینی، که نتیجه مذاکره مداوم در میدان منازعات بازنمایی است. برنامه درسی نیز نه مجموعه‌ای از معانی از پیش تعیین‌شده برای انتقال، که عرصه‌ای برای «سیاست بازنمایی» است: چه روایت‌هایی گنجانده می‌شوند، چه روایت‌هایی طرد می‌شوند، و مهم‌تر از آن، مخاطبان چگونه این روایت‌ها را رمزگشایی می‌کنند؟

۳- سرمایه فرهنگی و بازتولید در عصر دیجیتال (بوردیو)

نظریه بوردیو درباره سرمایه فرهنگی و بازتولید نابرابری از طریق آموزش، در عصر دیجیتال با چالش‌ها و بسط‌های جدیدی مواجه شده است. بوردیو سه شکل برای سرمایه فرهنگی قائل بود: حالت تجسم‌یافته (مهارت‌ها و ذائقه‌های درونی‌شده)، حالت عینیت‌یافته (کتاب، آثار هنری) و حالت نهادینه‌شده (مدارک تحصیلی). پرسش اساسی این است: در عصر دیجیتال، چه بر سر این اشکال سرمایه فرهنگی آمده است؟ شواهد نشان می‌دهد سرمایه فرهنگی دستخوش دگرگونی اساسی شده است:

الف) دگرگونی در حالت تجسم‌یافته: ذائقه فرهنگی و مهارت‌های ارزشمند امروز، بیش از آشنایی با ادبیات کلاسیک یا موسیقی جدی، شامل «مهارت‌های شبکه‌ای»، «توانایی رمزگشایی سریع» و «سواد الگوریتمی» است.

ب) دگرگونی در حالت عینیت‌یافته: دسترسی همگانی به آرشیوهای دیجیتال، انحصار طبقات بالای فرهنگی را کاهش داده، اما همزمان «شکاف توجه» جایگزین «شکاف دسترسی» شده است.

ج) دگرگونی در حالت نهادینه‌شده: ارزش مدارک تحصیلی در برابر «گواهی‌های خرد»، «پروژه‌های قابل نمایش» و «شهرت شبکه‌ای» در حال افول است.

۴- فرهنگ مشارکتی و هوش جمعی (جنکینز)

هنری جنکینز نظریه «فرهنگ مشارکتی» را در تقابل با مدل انفعالی مصرف رسانه‌ای صورت بندی کرد. از دید او، فناوری‌های دیجیتال نه صرفاً ابزار دسترسی، که زیرساخت «هوش جمعی» و «مشارکت فعال» در تولید فرهنگ هستند. سه مفهوم کلیدی جنکینز برای تحلیل بازآرایی معنا عبارتند از: «همگرایی رسانه‌ای»، «فرهنگ مشارکتی» و «هوش جمعی». در این چارچوب، برنامه درسی سنتی که بر انتقال یک‌طرفه دانش از معلم به دانش‌آموز استوار است، با «فرهنگ مشارکتی» نسل دیجیتال در تضاد بنیادین قرار دارد. دانش‌آموزان امروز در فضای برون‌مدرسه‌ای، «تولیدکننده» و «مشارکت‌کننده» هستند، اما در مدرسه به «مصرف‌کننده منفعل» تقلیل می‌یابند. این ناهمخوانی، نه فقط یک مسئله روش‌شناختی، که یک «بحران مشروعیت» است.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

۵- مدرنیته سیال و هویت پروژه‌ای (باومن)

زیگمونت باومن با تمایز میان «مدرنیته جامد» و «مدرنیته سیال»، دگرگونی در تجربه هویت و معنا را تحلیل کرده است. در مدرنیته جامد، هویت‌ها ثابت، قابل پیش‌بینی و مبتنی بر نقش‌های سنتی بودند. اما در مدرنیته سیال، هویت به «پروژه‌ای» دائماً در حال بازتعریف تبدیل شده است. باومن از تعبیر «جامعه‌پذیری معکوس» استفاده می‌کند: در گذشته، بزرگ‌سالان به کودکان می‌آموختند؛ امروز، کودکان به بزرگ‌سالان می‌آموزند چگونه با تغییر کنار آیند. این نظریه، بازآرایی عمیق در الگوهای جامعه‌پذیری آموزشی را آشکار می‌سازد. معلم در مدرنیته جامد، نماینده «سنت» و «مرجعیت نهادی» بود. اما در مدرنیته سیال، مرجعیت امری «موقت»، «مشروط» و وابسته به «بازتعریف مداوم» است. چالش اساسی آن است که نظام آموزشی همچنان بر مفروضات مدرنیته جامد استوار است، در حالی که دانش‌آموزان و دانشجویان در جهان مدرنیته سیال زندگی می‌کنند.

۶- سنتز نظری: از تعدد نظریه‌ها تا چارچوب تلفیقی

هر یک از پنج سنت نظری یادشده، وجهی از بازآرایی معنا در عصر دیجیتال را برجسته می‌سازد، اما هیچ‌یک به تنهایی قادر به تبیین پیچیدگی مسئله نیستند. سنتز نظری این پژوهش، بر این ایده استوار است که بازآرایی معنا در عصر دیجیتال، پدیده‌ای «چندسطحی» و «چندبعدی» است که نیازمند تلفیق سطوح تحلیل ساختاری (کاستلز)، کنشگرانه (جنکینز)، هویتی (باومن)، منازعات قدرت و بازنمایی (هال) و بازتولید نابرابری (بوردیو) است. این سنتز در «مدل اکولوژی بازآرایی معنا» صورت بندی شده است.

چارچوب مفهومی پژوهش

مدل پیشنهادی این مقاله با عنوان «اکولوژی بازآرایی معنا»، چارچوبی تلفیقی برای تحلیل نسبت میان نوآوری‌های فرهنگی دیجیتال و دگرگونی در نظام معنا، و استخراج دلالت‌های آن برای سیاست‌گذاری آموزشی و برنامه‌ریزی درسی است. این مدل متشکل از سه لایه به‌هم‌پیوسته است:

۱- لایه زیرساختی: اکولوژی شبکه‌ای-الگوریتمی

این لایه برگرفته از نظریه کاستلز، اما با تأکید بر نقش الگوریتم‌ها (غایب بزرگ در نظریه او) است. اکولوژی معنایی عصر دیجیتال بر سه مؤلفه استوار است:

(الف) زیرساخت شبکه‌ای: اتصال دائمی و افقی؛

(ب) پلتفرم‌ها: واسطه‌های کنترل جریان اطلاعات؛

(ج) الگوریتم‌ها: قواعد نامرئی اولویت‌بندی، فیلتر و شخصی‌سازی محتوا.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

این سه مؤلفه، «شرط‌های امکان» بازآرایی معنا را تعیین می‌کنند.

۲- لایه میانی: میدان‌های بازآرایی معنا

این لایه، عرصه‌های مشخصی را که بازآرایی معنا در آنها رخ می‌دهد، شناسایی می‌کند:

میدان تولید معنا: گذار از «تولید متمرکز و نهادی» به «تولید توزیع شده و شبکه‌ای». نهادهای سنتی تولید معنا (وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌های رسمی، دانشگاه‌ها) با رقابت بی‌سابقه تولیدکنندگان غیرنهادی (اینفلوئنسرها، کاربران عادی، جوامع مجازی) مواجه‌اند.

میدان اعتبارسنجی معنا: گذار از «اعتبار نهادی-سلسله‌مراتبی» به «اعتبار شبکه‌ای-همتایان». مرجعیت دیگر نه مبتنی بر جایگاه نهادی، که مبتنی بر «شهرت شبکه‌ای» و «اعتبار همتایان» است.

میدان توزیع معنا: گذار از «توزیع متمرکز و خطی» (کتاب درسی) به «توزیع شبکه‌ای و ویروسی». معنا دیگر از طریق کانال‌های رسمی، که از طریق شبکه‌های هم‌پیوند و بازنشرهای زنجیره‌ای جریان می‌یابد.

میدان تصاحب معنا: گذار از «تصاحب انفعالی» به «تصاحب فعال و بازتولید». کاربران امروز نه مصرف‌کنندگان منفعل، که «تفسیرکنندگان»، «بازترکیب‌کنندگان» و «تولیدکنندگان ثانویه» معنا هستند.

۳- لایه بالایی: کنش‌های معناساز

این لایه به چگونگی بازتعریف سه کنش بنیادین معناساز در اکولوژی جدید می‌پردازد:

هویت‌یابی: گذار از هویت‌های «محول» به هویت‌های «پروژه‌ای و بازتابی». هویت در فضای دیجیتال، پروژه‌ای دائماً در حال بازتعریف از طریق «بازنمایی خود»، «مصرف فرهنگی» و «عضویت در جوامع ذوقی» است.

یادگیری: گذار از یادگیری «انتقالی-انباشتی» به یادگیری «اکتشافی-شبکه‌ای». یادگیری در فضای دیجیتال، فرایندی غیرخطی، خودآغاز، مبتنی بر حل مسئله و متکی بر شبکه‌های هم‌تا است.

کنشگری: گذار از کنشگری «نهادی-سلسله‌مراتبی» به کنشگری «شبکه‌ای-خودانگیخته». عصر دیجیتال، ظهور «کنشگری شبکه‌ای» را ممکن ساخته که فراتر از سازمان‌های رسمی، از طریق هشتگ‌ها، طوفان‌های توییتری و کمپین‌های مجازی شکل می‌گیرد.

۴- منطق تنشی مدل: رهایی و انقیاد هم‌زمان

مدل اکولوژی بازآرایی معنا، برخلاف روایت‌های خوش‌بینانه یا بدبینانه رایج، بر «منطق تنشی» و «هم‌زمانی رهایی

و انقیاد» تأکید دارد. نوآوری‌های فرهنگی دیجیتال، هم‌زمان:

- امکان «دموکراتیزه‌شدن تولید معنا» و «سلطه پلتفرم‌های انحصاری» را فراهم کرده‌اند.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

- امکان «گسست از انحصارهای معرفتی» و «اسارت در حباب‌های الگوریتمی» را ایجاد کرده‌اند.

- امکان «هویت‌یابی مستقل» و «فشار دائمی برای بازنمایی هنجاری» را افزایش داده‌اند.

این منطق تنشی، هسته مرکزی مدل را تشکیل می‌دهد و از آن، دلالت‌های سیاستی مشخصی استخراج می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

۱- نوع پژوهش :

این پژوهش از نوع مطالعات کیفی و نظری است که با رویکرد تحلیل مفهومی و فراترکیب نظری انجام شده است. با توجه به ماهیت مسئله که مستلزم تلفیق نظریه‌های چندگانه و استخراج دلالت‌های سیاستی است، از سنت «نظریه‌پردازی ترکیبی» (Synthetic Theorizing) بهره گرفته شده است. این سنت روش‌شناختی، زمانی کاربرد می‌یابد که پدیده مورد مطالعه پیچیده، چندبعدی و نیازمند تلفیق دیدگاه‌های نظری مختلف باشد.

۲- جامعه و قلمرو مطالعه :

قلمرو نظری پژوهش، کلیه متون و نظریه‌های مرتبط با پنج سنت نظری یادشده و تلاقی آن‌ها با حوزه برنامه‌ریزی درسی و سیاست‌گذاری آموزشی است. قلمرو مکانی پژوهش، با توجه به ماهیت نظری-کاربردی آن، شامل تجارب بین‌المللی در زمینه سیاست‌گذاری آموزشی در عصر دیجیتال (با تأکید بر مستندات یونسکو و تجارب ملی کشورهای مختلف) و نیز اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران است.

۳- شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها :

داده‌ها از طریق مرور نظام‌مند منابع نظری و پژوهشی مرتبط در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ گردآوری شده‌اند. برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) در ترکیب با استدلال نظری (Theoretical Reasoning) استفاده شده است.

فرایند تحلیل در چهار گام انجام شده است:

- (۱) شناسایی و استخراج مفاهیم کلیدی از هر سنت نظری؛
- (۲) طبقه‌بندی و سازماندهی مفاهیم در مضامین فراگیر؛
- (۳) کشف روابط و الگوهای ارتباطی میان مضامین؛
- (۴) صورت‌بندی مدل مفهومی مبتنی بر شبکه مضامین.

۴- اعتبارپذیری و قابلیت‌انکاء :

برای افزایش اعتبارپذیری یافته‌ها از راهبردهای زیر استفاده شده است:



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

(۱) اشباع نظری: تداوم گردآوری داده تا حصول اطمینان از پوشش کامل مفاهیم؛

(۲) بازبینی همتایان: ارائه نسخه‌های اولیه مدل به چند تن از متخصصان برنامه درسی و مطالعات فرهنگی و اعمال بازخوردها؛

(۳) مستندسازی مسیر تحلیل: ثبت و گزارش گام‌های تحلیل برای امکان داوری درباره مسیر استدلال.

یافته‌های تحلیلی: چهار دگرگونی بنیادین در نظام معنا

تحلیل مبتنی بر چارچوب مفهومی پژوهش، چهار دگرگونی بنیادین را در نظام معنا آشکار می‌سازد:

۱- گذار از مرجعیت متمرکز به مرجعیت توزیع‌شده

نخستین و مهمترین دگرگونی، تغییر در «منبع مشروعیت معرفت» است. در نظام سنتی، مرجعیت معرفتی به صورت متمرکز و سلسله‌مراتبی سازمان یافته بود: نهادهای رسمی (وزارت علوم، وزارت آموزش و پرورش، شوراهای برنامه‌ریزی درسی)، تولیدکنندگان مجاز (مؤلفان کتاب درسی، استادان دانشگاه) و توزیع‌کنندگان انحصاری (مدارس، دانشگاه‌ها). دانش‌آموز و دانشجو در انتهای این زنجیره، مصرف‌کننده معرفت از پیش تعیین‌شده بود.

عصر دیجیتال، این ساختار را فروپاشیده است. امروز، دانش‌آموز پیش از آنکه کتاب درسی را بگشاید، با چندین روایت متفاوت از یک واقعه تاریخی، پدیده علمی یا مفهوم فرهنگی در یوتیوب، اینستاگرام و ویکی‌پدیا مواجه شده است. مرجعیت امروز دیگر یک «جایگاه نهادی» نیست، بلکه یک «موضع گفتمانی» است که باید در میدان رقابت با روایت‌های رقیب به دست آید. این دگرگونی را می‌توان «گذار از مرجعیت پیشینی به مرجعیت پسینی» نامید: مرجعیت معلم و کتاب درسی دیگر در آغاز فرایند یادگیری مفروض گرفته نمی‌شود، بلکه در پایان فرایند و در نتیجه اعتماد فعال مخاطب کسب می‌گردد.

این دگرگونی، بحران عمیقی را برای نظام آموزشی ایجاد کرده است. نظرسنجی‌های معتبر در ایران نشان می‌دهد که درصد دانش‌آموزانی که «کتاب درسی» را منبع اصلی یادگیری خود می‌دانند، در دهه اخیر به شدت کاهش یافته و منابع دیجیتال جایگزین آن شده است. این «مهاجرت مرجعیت» از نهاد به شبکه، پرسش از کارکردهای آینده مدرسه و دانشگاه را گریزناپذیر کرده است.

۲- گذار از هویت جوهرین به هویت پروژه‌ای و بازتابی

دومین دگرگونی، تحول در مفهوم و تجربه هویت است. در نظام سنتی، هویت امری «جوهرین» و «کشف‌شدنی» تلقی می‌شد: فرد هویت خود را از طریق تعلق به گروه‌های مرجع (خانواده، قومیت، مذهب، ملت) دریافت می‌کرد و وظیفه آموزش، کمک به «شکوفایی» این هویت از پیش موجود بود.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

عصر دیجیتال، هویت را به «پروژه‌ای بازتابی» تبدیل کرده است. نوجوان امروز هویت خود را نه یک بار برای همیشه می‌یابد، که دائماً در فرایند «بازنمایی خود» در شبکه‌های اجتماعی، «انتخاب‌های مصرف فرهنگی»، «عضویت در جوامع ذوقی زودگذر» و «بازتعریف مداوم مرزهای خود/دیگری» می‌سازد. این هویت، نه «جوهر»، که «روایت» است؛ نه «کشف»، که «اختراع» است؛ نه «ثبات»، که «حرکت» است.

برنامه درسی سنتی که بر مفروضات هویت جوهرین استوار است، نمی‌تواند به نیازهای هویتی نسل دیجیتال پاسخ دهد. پرسش‌های بنیادین این نسل نه «چه چیزهایی باید بدانم؟»، که «می‌خواهم چه کسی باشم؟» و «چگونه می‌توانم خود را بازنمایی کنم؟» است. این گذار از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی، از «برنامه درسی به مثابه محتوا» به «برنامه درسی به مثابه هویت‌سازی»، مهمترین چالش پیش روی نظریه‌پردازان برنامه درسی است.

۳- گذار از سرمایه فرهنگی نهادی به سرمایه فرهنگی شبکه‌ای

سومین دگرگونی، تغییر در تعریف «آنچه ارزشمند و مطلوب است». بورديو نشان داده بود که نظام آموزشی، نهاد اصلی بازتولید توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی است. اما عصر دیجیتال، خود «سرمایه فرهنگی» را دگرگون ساخته است. تحلیل ما پنج مؤلفه برای «سرمایه فرهنگی دیجیتال» شناسایی می‌کند:

- سواد الگوریتمی: توانایی درک، نقد و بهره‌گیری از منطق الگوریتم‌ها
- مهارت‌های شبکه‌ای: توانایی تشکیل، حفظ و بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی در شبکه‌های دیجیتال
- سواد بازنمایی: توانایی بازنمایی مؤثر خود در فضاهای مجازی
- هوش ترکیبی: توانایی ترکیب و بازترکیب محتوای فرهنگی موجود برای خلق محتوای جدید
- شهرت دیجیتال: جایگاه در شبکه‌های اعتبار همتایان

نظام آموزشی ما همچنان اشکال سنتی سرمایه فرهنگی (محفوظات، آشنایی با متون کلاسیک، مدارک تحصیلی) را ارزش‌گذاری می‌کند، در حالی که میدان‌های اجتماعی واقعی - به ویژه میدان اشتغال - ارزش فزاینده‌ای برای سرمایه فرهنگی دیجیتال قائل‌اند. این ناهمخوانی میان «سرمایه ارزش‌گذاری شده در مدرسه» و «سرمایه مطلوب در جامعه»، یکی از منابع اصلی بی‌معنایی تجربه مدرسه برای نسل دیجیتال است.

۴- گذار از جامعه‌پذیری عمودی به هم‌آفرینی افقی معنا

چهارمین دگرگونی، تغییر در الگوی جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگی است. در الگوی سنتی، جامعه‌پذیری فرایندی «عمودی» بود: معنا، ارزش و معرفت از نسل بزرگسال به نسل کودک، از معلم به دانش‌آموز، از مرکز به پیرامون جریان



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

می‌یافت. این الگو، بر دو پیش‌فرض استوار بود: نخست، «شکاف نسلی معرفتی» (بزرگسالان بیشتر می‌دانند)؛ دوم، «انباشت خطی معرفت» (دانش در طول زمان متراکم و منتقل می‌شود).

عصر دیجیتال، این هر دو پیش‌فرض را به چالش کشیده است. در حوزه فناوری و فرهنگ دیجیتال، نه تنها شکاف معرفتی به نفع بزرگسالان نیست، بلکه اغلب کودکان و نوجوانان «پیشگامان معرفتی» هستند. این «وارونگی جامعه‌پذیری» - به تعبیر باومن - الگوی عمودی انتقال معنا را به الگوی افقی «هم‌آفرینی» تبدیل کرده است. نوجوانان امروز، معنا را نه از والدین و معلمان، که در شبکه‌های همتایان خود، از طریق آزمون و خطای جمعی، و در فرایندهای مشارکتی تولید می‌کنند. این دگرگونی، بحران عمیق مشروعیت برای نقش‌های سنتی آموزشی ایجاد کرده است. «معلم» در الگوی سنتی، نماینده «نسل پیشین» و حافظ «سنت» بود. اما در شرایط وارونگی جامعه‌پذیری، این جایگاه دچار تناقض می‌شود. بازتعریف نقش معلم از «مرجع مطلق» به «هم‌سفر باتجربه‌تر»، از «انتقال‌دهنده معنا» به «تسهیل‌گر هم‌آفرینی معنا»، ضرورتی گریزناپذیر است.

بحث و تفسیر نتایج: منطق تنشی بازآرایی معنا

یافته‌های چهارگانه فوق، اگرچه هر یک وجهی از دگرگونی معنا را آشکار می‌سازند، اما تفسیر آن‌ها نیازمند درک «منطق تنشی» حاکم بر بازآرایی معناست. این منطق تنشی، هسته مرکزی مدل اکولوژی بازآرایی معنا را تشکیل می‌دهد.

۱- تنش میان دموکراتیزه‌شدن و انحصار

از یک سو، نوآوری‌های فرهنگی دیجیتال، تولید و انتشار معنا را دموکراتیزه کرده‌اند. امروز هر شهروندی می‌تواند تولیدکننده محتوا باشد، روایت خود را منتشر کند، و حتی مخاطبان جهانی بیابد. این «انقلاب در ابزارهای تولید معنا»، پایان انحصار نهادهای رسمی بر گفتمان مشروع را نوید می‌دهد. اما از سوی دیگر، همین فضا شاهد شکل‌گیری «انحصارهای جدید» و «سلطه‌های نامرئی» است. پلتفرم‌های بزرگ فناوری (گوگل، متا، تیک‌تاک) و الگوریتم‌های آن‌ها، نه تنها جریان اطلاعات، بلکه ساختار احساس و مقولات ادراک کاربران را شکل می‌دهند. «انحصار دولتی» بر تولید معنا جای خود را به «انحصار شرکتی» بر توزیع و اولویت‌بندی معنا داده است. سیاست‌گذاری آموزشی در این میان، باید میان «آزادی‌بخشی شبکه‌ای» و «اسارت الگوریتمی» راهی بیابد.

۲- تنش میان گشودگی معرفتی و حباب‌های الگوریتمی

از یک سو، شبکه‌های دیجیتال مرزهای سنتی معرفت را در نوردیده‌اند. دسترسی بی‌سابقه به منابع متنوع، امکان آشنایی با فرهنگ‌های دور، و مواجهه با روایت‌های متکثر، «افق معرفتی» انسان معاصر را به شدت گسترش داده است.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

اما از سوی دیگر، الگوریتم‌های شخصی‌سازی، کاربران را در «حباب‌های فیلتر» و «اتاق‌های پژواک» محصور می‌کنند. الگوریتم‌ها با یادگیری از رفتار گذشته کاربر، محتوایی را به او نمایش می‌دهند که با سلیقه و باورهای فعلی‌اش همخوان است، فرصت مواجهه با «دیگری» و «نامأنوس» را کاهش می‌دهند. این «بازتولید الگوریتمی خود»، نه فقط به تقویت تعصب و قطبی‌شدن می‌انجامد، بلکه ظرفیت اساسی‌تر را تحلیل می‌برد: «توانایی تحمل ناملائمات معرفتی».

۳- تنش میان رهایی هویتی و فشار بازنمایی

از یک سو، فضای دیجیتال امکانات بی‌سابقه‌ای برای رهایی از هویت‌های تحمیلی و کشف هویت‌های خودانتخاب فراهم کرده است. جوامع مجازی مبتنی بر علایق مشترک، امکان عضویت همزمان در اجتماعات متعدد، و فرصت بازتعریف مداوم خود، همگی ظرفیت‌های رهایی‌بخش را افزایش داده‌اند.

اما از سوی دیگر، زیست در فضای دیجیتال با «فشار دائمی برای بازنمایی» همراه است. کاربران نه فقط اجازه، که «الزام» به بازنمایی خود دارند. این بازنمایی، همواره در چارچوب هنجارهای پلتفرم‌ها، منطق مد و مصرف‌گرایی، و انتظارات مخاطبان شکل می‌گیرد. «رهایی از هویت محول» ممکن است به «اسارت در هویت مد روز» بدل شود.

دلالات‌های کاربردی برای نظام تعلیم و تربیت

چارچوب نظری تلفیقی و مدل اکولوژی بازآرایی معنا، دلالت‌های مشخصی برای بازاندیشی در سه ساحت سیاست‌گذاری آموزشی، برنامه‌ریزی درسی و نقش‌های حرفه‌ای در مدرسه دارند.

۱- دلالت‌های سیاست‌گذاری: از مدیریت بحران تا بازتعریف راهبردی

نخستین دلالت، ضرورت گذار از «رویکردهای واکنشی و انفعالی» به «رویکرد فعال و راهبردی» در سیاست‌گذاری آموزشی است. اسناد بالادستی ما همچنان نوآوری‌های فرهنگی دیجیتال را «تهدید» می‌بینند که باید با «مصون‌سازی» و «مدیریت آسیب» با آن مواجه شد. این رویکرد نه فقط ناکارآمد، که خود ویرانگر است.

سیاست‌گذاری راهبردی باید بر چند محور متمرکز شود:

اول، بازتعریف «هدف غایی» تعلیم و تربیت در عصر سیالیت معنا: اگر ثبات معنا دیگر مفروض نیست، پس هدف آموزش نمی‌تواند «انتقال میراث معنایی ثابت» باشد، بلکه باید «پرورش توانایی زیست خلاقانه در اکوسیستم‌های معنایی متکثر و متغیر» تعریف شود.

دوم، بازنگری در شایستگی‌های پایه: سواد خواندن، نوشتن و حساب کردن، دیگر کافی نیستند. «سواد فرهنگی دیجیتال» باید به عنوان چهارمین سواد پایه در اسناد سیاستی گنجانده شود.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

سوم، بازتعریف رابطه با پلتفرم‌ها: سیاست «ممنوعیت و فیلتر» شکست خورده است. جایگزین آن، سیاست «مذاکره انتقادی» است: آموزش نحوه کار با پلتفرم‌ها، نقد آن‌ها، و بهره‌گیری خلاق از آن‌ها.

چهارم، بازآرایی نظام ارزشیابی: تا زمانی که کنکور و آزمون‌های استاندارد، معیار انحصاری موفقیت باشند، هرگونه نوآوری در برنامه درسی سطحی و بی‌اثر خواهد ماند.

۲- دلالت‌های برنامه‌ریزی درسی: از محتوا محوری به مسئله محوری

برنامه درسی سنتی، «محتوای محور» است: فهرستی از موضوعات، حقایق و مفاهیم که باید در بازه زمانی مشخص به دانش‌آموز منتقل شود. در عصر بازآرایی معنا، این الگو با چالش سه‌گانه مواجه است: ناممکنی (حجم دانش به سرعت در حال افزایش است و هیچ برنامه درسی نمی‌تواند همه آن را پوشش دهد)، نامطلوبی (بیشتر این محتوا به سرعت منسوخ می‌شود)، و نامعنایی (این محتوا برای دانش‌آموز در مواجهه با پرسش‌های وجودی‌اش بی‌ارتباط است).

جایگزین، «برنامه درسی مسئله‌محور» است. این برنامه درسی، حول «مسائل بنیادین» سازمان می‌یابد، نه «موضوعات رسمی». مسائلی چون «هویت من کیست و چگونه ساخته می‌شود؟»، «حقیقت در عصر اخبار جعلی چه معنایی دارد؟»، «عدالت در جهان نامتوازن چیست؟»، و «چگونه می‌توان با تفاوت‌ها زیست؟». این مسائل، نیازمند دانش از رشته‌های مختلف، روش‌های متنوع و منابع متکثرند. برنامه درسی مسئله‌محور، محتوا را نه به عنوان هدف، که به عنوان «ابزار» برای پاسخ به پرسش‌های اصیل به کار می‌گیرد.

۳- دلالت‌های نقش‌های حرفه‌ای: از مرجعیت نهادی به مرجعیت گفتمانی

بحران مرجعیت معلم، نه ناشی از کاهش شایستگی‌های فردی، که ناشی از دگرگونی ساختاری در منطق اعتباربخشی است. بازتعریف مرجعیت معلم، نه با انکار این دگرگونی، که با پذیرش آن و بازتعریف جایگاه معلم در اکولوژی جدید امکان‌پذیر است.

«مرجعیت گفتمانی» در برابر «مرجعیت نهادی»: معلم دیگر نمی‌تواند بر جایگاه نهادی خود برای الزام دانش‌آموز به پذیرش سخنش تکیه کند. مرجعیت او باید در فرایند تعامل، از طریق «اعتباربخشی فعال» دانش‌آموزان کسب شود. این مرجعیت، مبتنی است بر:

الف) تخصص اصیل (نه صرفاً مدرک)،

ب) توانایی برقراری ارتباط،

ج) صداقت و شفافیت،

د) توانایی شنیدن و پاسخ به نقد.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

«تسهیل‌گری» نه به معنای کنار گذاشتن نقش آموزشی، که به معنای بازتعریف آن در قالبی نوین است. معلم به

جای «منبع انحصاری پاسخ»، به «طراح پرسش» و «تسهیل‌گر جست‌وجوی جمعی» تبدیل می‌شود.

نتیجه‌گیری: مدل پیشنهادی نویسنده برای سیاست‌گذاری آموزشی در عصر بازآرایی معنا

این مقاله با هدف واکاوی انتقادی نسبت میان نوآوری‌های فرهنگی دیجیتال و بازآرایی نظام معنا، و استخراج دلالت‌های آن برای سیاست‌گذاری آموزشی و برنامه‌ریزی درسی، تلاش کرد شکاف میان نظریه‌های انتقادی فرهنگ دیجیتال و حوزه سیاست‌گذاری آموزشی را پر کند. مدل «کولوژی بازآرایی معنا» که در این مقاله صورت‌بندی شد، چارچوبی تلفیقی برای تحلیل این پدیده پیچیده و چندبعدی پیشنهاد می‌کند.

۱- نوآوری نظری مقاله

نوآوری نظری این مقاله در سه سطح قابل شناسایی است:

سطح اول، تلفیق پنج سنت نظری در چارچوبی منسجم است. این سنت‌ها تاکنون عمدتاً به صورت مجزا یا تقابلی به کار گرفته شده‌اند، در حالی که تلفیق آن‌ها امکان تحلیل چندسطحی و چندبعدی از پدیده بازآرایی معنا را فراهم می‌کند. سطح دوم، صورت‌بندی مفهوم «سرمایه فرهنگی دیجیتال» و مؤلفه‌های پنج‌گانه آن به عنوان جایگزین بالقوه اشکال سنتی سرمایه فرهنگی در عصر دیجیتال است.

سطح سوم، صورت‌بندی «منطق تنشی» به عنوان هسته مرکزی مدل است که برخلاف روایت‌های یک‌سویه خوش‌بینانه یا بدبینانه، بر هم‌زمانی رهایی و انقیاد تأکید دارد.

۲- مدل پیشنهادی برای سیاست‌گذاری آموزشی

بر اساس تحلیل صورت‌گرفته، مدل پیشنهادی این مقاله برای سیاست‌گذاری آموزشی در عصر بازآرایی معنا، مبتنی بر سه اصل بنیادین است:

اصل اول: گذار از سیاست مصون‌سازی به سیاست توانمندسازی انتقادی.

سیاست‌گذار باید بپذیرد که مرز میان فضای مجازی و واقعی فروپاشیده است. راهبرد «دیوار کشیدن» و «مصون‌سازی» نه ممکن، نه مطلوب و نه مؤثر است. جایگزین، «توانمندسازی انتقادی» است: پرورش توانایی دانش‌آموز برای زیستن در فضای متکثر، تشخیص روایت‌های معتبر از نامعتبر، مقاومت در برابر سلطه‌های پنهان، و مشارکت فعال در تولید معنا.

اصل دوم: گذار از برنامه درسی محتوامحور به برنامه درسی مسئله‌محور هویت‌بنیان.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

پرسش اصلی نسل دیجیتال، پرسش از «هویت» و «معنای زندگی» است. برنامه درسی که خود را محدود به انتقال اطلاعات و مهارت‌های فنی کند، از کارکرد اصلی خود تهی می‌شود. برنامه درسی باید به عرصه‌ای برای «پروژه هویت‌یابی» تبدیل شود: فضایی امن برای آزمایش روایت‌های مختلف خود، گفت‌وگو با دیگری، و صورت‌بندی پاس‌های شخصی به پرسش‌های بنیادین.

اصل سوم: گذار از ساختار سلسله‌مراتبی به ساختار شبکه‌ای-مشارکتی در مدرسه. مدرسه نمی‌تواند تنها جزیره مقاومت در برابر موج شبکه‌ای شدن باشد. مدل پیشنهادی، «مدرسه به مثابه گره شبکه» است: مدرسه نه در انزوا و در برابر شبکه، که در درون شبکه و به عنوان یکی از گره‌های آن. این مدل، مستلزم بازتعریف رابطه مدرسه با خانواده، نهادهای محلی، فضاهای مجازی، و جامعه است.

۳- محدودیت‌ها و چشم‌انداز پژوهش‌های آتی

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بوده است: نخست، تمرکز بر پنج سنت نظری مشخص و چشم‌پوشی از سایر نظریه‌های بالقوه مرتبط (نظریه کنشگر-شبکه، پساپدیدارشناسی فناوری، نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت). دوم، غلبه وجه نظری بر شواهد تجربی. سوم، عدم تفکیک زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی مختلف در تحلیل. پژوهش‌های آتی می‌توانند با آزمون تجربی مدل پیشنهادی در میدان‌های آموزشی مختلف، بومی‌سازی آن برای زمینه ایران، و تلفیق با سایر سنت‌های نظری، به غنای این چارچوب بیفزایند.

پیشنهادهای سیاستی و پژوهشی

الف) پیشنهادهای سیاستی :

۱. بازنگری در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با رویکرد بازتعریف هدف غایی تعلیم و تربیت در عصر سیالیت معنا و گنجاندن «سواد فرهنگی دیجیتال» به عنوان چهارمین سواد پایه.
۲. تشکیل «شورای راهبردی برنامه درسی در عصر دیجیتال» با مشارکت متخصصان برنامه درسی، مطالعات فرهنگی دیجیتال، جامعه‌شناسی آموزش و ارتباطات.
۳. بازطراحی نظام ارزشیابی تحصیلی با کاهش سهم آزمون‌های حافظه‌محور و افزایش سهم پروژه‌های مسئله‌محور، پرتفولیوی دیجیتال و ارزشیابی پویا.
۴. بازتعریف برنامه درسی تربیت معلم با گنجاندن واحدهای الزامی در زمینه سواد فرهنگی دیجیتال، تحلیل انتقادی الگوریتم‌ها و روش‌های تسهیل‌گری در کلاس شبکه‌ای.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

۵. تدوین منشور اخلاقی تعامل با پلتفرم‌های دیجیتال در آموزش که جایگزین سیاست‌های صرفاً سلبی و فیلتر باشد.

(ب) پیشنهادهای پژوهشی:

۱. پژوهش‌های تجربی برای آزمون مدل اکولوژی بازآرایی معنا در زمینه‌های آموزشی مختلف ایران (شهر، روستا، گروه‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوت).

۲. مطالعات تطبیقی سیاست‌گذاری آموزشی در عصر دیجیتال در کشورهای مختلف با تأکید بر تجارب موفق در تلفیق فرهنگ بومی و تحول دیجیتال.

۳. پژوهش‌های اقدام‌پژوهانه برای طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی مسئله‌محور در مدارس ایران.

۴. مطالعات نسلی درباره تحول در سرمایه فرهنگی و ذائقه معرفتی نسل‌های مختلف دانش‌آموزان در مواجهه با فناوری‌های دیجیتال.

۵. پژوهش‌های کیفی درباره راهبردهای معلمان موفق در بازتعریف مرجعیت خود در کلاس‌های دیجیتال.

منابع

منابع فارسی:

۱. اجتهادی، مصطفی. (۱۳۹۹). «فرهنگ دیجیتال و دگرگونی تجربه زیسته». تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲. توسلی، غلامعباس. (۱۳۹۸). «نظریه‌های جامعه‌شناسی اطلاعات و ارتباطات». تهران: سمت.
۳. فاضلی، نعمت‌الله. (۱۴۰۰). «مطالعات فرهنگی دیجیتال در ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۷(۶۴)، ۳۳-۶۷.
۴. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۹). «جامعه و هویت در عصر مدرن متأخر». ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
۵. معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۹۸). «روش‌شناسی نظریه‌پردازی ترکیبی در علوم انسانی». فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۵(۱۰۰)، ۹-۳۶.
۶. میرزایی، حسین. (۱۴۰۱). «الگوریتم و فرهنگ: جامعه‌شناسی پلتفرم‌های دیجیتال». تهران: آگاه.
۷. نصر اصفهانی، احمدرضا. (۱۳۹۹). «برنامه درسی در عصر اطلاعات: از انتقال تا مشارکت». فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، ۸(۱۵)، ۱۲۵-۱۵۴.

منابع لاتین:

8. Bauman, Z. (2020). Liquid Modernity: 20th Anniversary Edition. Cambridge: Polity Press.
9. Bauman, Z. (2023). Retrotopia. Cambridge: Polity Press.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

**The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)**

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

10. Bourdieu, P. (2018). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste* (New Edition). Cambridge: Harvard University Press.
11. Bourdieu, P., & Passeron, J. C. (2020). *Reproduction in Education, Society and Culture* (4th ed.). London: Sage.
12. Castells, M. (2019). *The Rise of the Network Society: The Information Age: Economy, Society, and Culture* (2nd ed., Vol. 1). Oxford: Wiley-Blackwell.
13. Castells, M. (2021). *The Power of Identity: The Information Age: Economy, Society, and Culture* (2nd ed., Vol. 2). Oxford: Wiley-Blackwell.
14. Castells, M. (2022). *The Network Society Revisited*. *American Behavioral Scientist*, 66(1), 7-23.
15. Couldry, N., & Hepp, A. (2021). *The Mediated Construction of Reality*. Cambridge: Polity Press.
16. Gantzias, G., et al. (2025). *The Dynamics of Globalization, Cultural Policy and Artificial Intelligence: Organization of Cultural Management and Online Higher Education Courses*. *INTED2025 Proceedings*, 7601.
17. Hall, S. (2019). *Essential Essays, Volume 1: Foundations of Cultural Studies*. Durham: Duke University Press.
18. Hall, S. (2020). *Selected Writings on Race and Difference*. Durham: Duke University Press.
19. Jenkins, H. (2019). *Participatory Culture: Interviews*. Cambridge: Polity Press.
20. Jenkins, H., Ito, M., & boyd, d. (2020). *Participatory Culture in a Networked Era: A Conversation on Youth, Learning, Commerce, and Politics*. Cambridge: Polity Press.
21. Jenkins, H., Peters-Lazaro, G., & Shresthova, S. (2021). *Popular Culture and the Civic Imagination: Case Studies of Creative Social Change*. New York: NYU Press.
22. *Kerala Infrastructure and Technology for Education*. (2025). *ICT Textbooks with AVGC Integration*. Thiruvananthapuram: KITE.
23. *Namibia University of Science and Technology*. (2025). *Department of Digital Arts and Animation: Strategic Plan 2025-2030*. Windhoek: NUST Press.
24. Noble, S. U. (2018). *Algorithms of Oppression: How Search Engines Reinforce Racism*. New York: NYU Press.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

**The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)**

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

25. Pertiwi, S., Sumaryono, A., & Madhakomala, M. (2025). Innovative 21st-Century Curriculum Based on Local Genius 6.0: Synergy of Local Wisdom and Digital Transformation in Indonesian Education. *Islamic Management: Jurnal Manajemen Pendidikan Islam*, 8(02).
26. UNESCO. (2024). Policies and Measures that Support the Development of Digital Creativity and Competencies. Paris: UNESCO.
27. Van Dijck, J. (2021). *The Platform Society: Public Values in a Connective World*. Oxford: Oxford University Press.
28. Van Dijck, J., & Nieborg, D. (2022). Platform Governance and the Politics of Mediation. *Social Media + Society*, 8(1), 1-10.
29. Zuboff, S. (2019). *The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power*. New York: PublicAffairs.
30. Zuboff, S. (2023). *The Coup We Are Not Talking About*. Frankfurt: Suhrkamp Verlag.